

نویسندگان: میدیا بن یمین (M.B) و نیکولاس جی اس دابیس (N.J.S.Davies).

منبع و تاریخ نشر: کمان دریم «2026-03-25».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»



در این تصویر که از خبرگزاری ایسنا در تاریخ ۵ مارس ۲۰۲۶ گرفته شده است، عزاداران در شهر اصفهان در مراسم تشییع جنازه کشته‌شدگان جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران شرکت می‌کنند. ایالات متحده و اسرائیل در ۲۸ فوریه حملاتی را علیه ایران آغاز کردند که منجر به کشته شدن رهبر معظم انقلاب و فرماندهان ارشد نظامی ایران شد و مقامات را بر آن داشت تا با حملاتی به اسرائیل و سراسر خلیج فارس تلافی کنند. عکس از پیمان شاهسنایی / ایسنا / خبرگزاری فرانسه از طریق گتی ایمیجز

آمریکا چگونه به یک قاتل زنجیره‌ای بین‌المللی تبدیل شد

How the US Became an International Serial Killer

آنچه زمانی پنهان، بحث‌برانگیز و محدود بود، اکنون آشکار، عادی و قابل دفاع شده است.

What was once covert, controversial, and constrained is now overt, normalized, and defended.

برای دهه‌ها، ایالات متحده از توطئه‌های ترور مخفیانه به پذیرش آشکار ترور یا «قتل هدفمند» به عنوان سیاست خود روی آورده بود. اکنون، در جنگ خود با ایران، این تحول به خطرناک‌ترین مرحله خود رسیده است.

در (۱۷ و ۱۸) مارس، ایالات متحده و اسرائیل سه مقام ارشد دولت ایران را در حملات هوایی هدفمند ترور کردند: علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران؛ سرتیپ غلامرضا سلیمانی، فرمانده نیروهای بسیج امنیت داخلی ایران؛ و اسماعیل خطیب، وزیر اطلاعات ایران.

موشکی که علی لاریجانی را کشت، یک آپارتمان را نیز ویران کرد و بیش از صد نفر را کشت. اسرائیل کاتز، وزیر دفاع اسرائیل، اعلام کرد که نیروهای اسرائیلی اکنون مجاز به ترور هر مقام ارشد ایرانی در هر زمان ممکن هستند و آنها به این کار ادامه داده‌اند و تعداد مقامات ایرانی ترور شده در سال گذشته را به حداقل هفتاد نفر رسانده‌اند.

ترور علی لاریجانی ضربه‌ای به فرصت‌های از پیش پرمخاطره برای صلح مذاکره شده بین ایران و ایالات متحده و اسرائیل است. علی لاریجانی یک مقام ارشد باتجربه و عملگرا بود که از سال ۲۰۰۵ نقش‌های رهبری در مذاکرات با ایالات متحده و سایر قدرت‌های جهانی ایفا کرده بود.

آنچه زمانی پنهان، بحث‌برانگیز و محدود بود، اکنون آشکار، عادی و قابل دفاع شده است.

لاریجانی مدرک ریاضی و علوم کامپیوتر داشت، در حوزه علمیه محترم قم تحصیل کرد و در جنگ ایران و عراق جنگید و به درجه سرتیپ در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران رسید. پس از جنگ، او مدیریت سازمان صدا و سیمای دولتی ایران را بر عهده داشت، دکترای فلسفه غرب را از دانشگاه تهران دریافت کرد و سه کتاب در مورد فلسفه ایمانوئل کانت نوشت، پیش از آنکه در سال ۲۰۰۵ وارد سیاست و حکومت شود. در سال ۲۰۲۴، لاریجانی کتابی در مورد فلسفه سیاسی با عنوان «عقل و آرامش در حکومتداری» نوشت.

اگر ایالات متحده امیدوار به برقراری صلح و احیای روابط با ایران بود، علی لاریجانی می‌توانست شریک بالقوه مذاکره باشد. تصمیم به ترور لاریجانی دو هفته پس از این جنگ نشان می‌دهد که رهبران ایالات متحده هیچ علاقه‌ای به مذاکره نداشتند.

احتمال دیگر حتی ترسناک‌تر است. رهبران اسرائیل ممکن است لاریجانی را به عنوان یک راه خروج بالقوه می‌دیدند و عمداً او را حذف کردند تا از ادامه جنگ اطمینان حاصل کنند.

پس از آن قتل، حمله بی‌سابقه اسرائیل به میدان گازی پارس جنوبی ایران - بزرگترین میدان گازی جهان و یک منبع مشترک با قطر - صورت گرفت. ایران با حملات موشکی به زیرساخت‌های انرژی در سراسر اسرائیل و خلیج فارس تلافی کرد. در قطر، آسیب به ترمینال LNG راس لفان - یکی از مهمترین قطب‌های گاز جهان - می‌تواند سال‌ها طول بکشد و میلیاردها دلار برای تعمیر نیاز باشد.

در حالی که بازارهای جهانی انرژی متلاطم شده‌اند، مقامات آمریکایی در گفتگو با وال استریت ژورنال تأیید کردند که حمله به پارس جنوبی با هماهنگی واشنگتن انجام شده است، که با انکار رئیس‌جمهور ترامپ در تضاد است.

این الگو غیرقابل انکار است. همانطور که یکی از تحلیلگران بیان کرد، به نظر می‌رسد اسرائیل عمداً در حال تشدید تنش است - میان‌روها را در ایران از بین می‌برد و در عین حال به زیرساخت‌های حیاتی حمله می‌کند - تا یک جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر را تحریک کند که جایی برای کاهش تنش باقی نمی‌گذارد.

تحلیلگران در مورد اینکه اسرائیل چقدر این تشدید تنش را هدایت می‌کند و مقامات آمریکایی چقدر کاملاً با آن همسو هستند، بحث می‌کنند. اما یک قدرت امپریالیستی نمی‌تواند مسئولیت را به دیگران واگذار کند. همانطور که تابلوی معروف هری ترومن روی میز اعلام می‌کرد: مسئولیت اینجا متوقف می‌شود.

ایالات متحده در اتحاد خود با اسرائیل، ترور سیستماتیک رهبران خارجی - از فلسطین و لبنان گرفته تا سوریه، یمن و اکنون ایران - را عادی کرده است. این چیز جدیدی نیست. در سال ۲۰۲۰، رئیس‌جمهور ترامپ دستور حمله پهپادی را داد که منجر به کشته شدن ژنرال قاسم سلیمانی ایرانی و ابومهدی المهندس، رهبر عراقی، معاون رئیس نیروهای بسیج مردمی عراق (PMF) که برای مبارزه با داعش به نیروهای آمریکایی پیوسته بود، شد.

با این حال، ترور به صراحت طبق قانون ایالات متحده ممنوع است. دستور اجرایی ۱۲۳۳۳ به وضوح بیان می‌کند: «هیچ شخصی که توسط دولت ایالات متحده استخدام شده یا از طرف آن عمل می‌کند، نباید در ترور شرکت کند یا برای آن توطئه کند.»

این ممنوعیت از تحقیقات کمیته کلیسا در مورد توطئه‌های ترور ایالات متحده علیه فیدل کاسترو در کوبا، پاتریس لومومبا در کنگو، رافائل تروخیو در جمهوری دومینیکن، نگو دین دیم در ویتنام جنوبی و ژنرال رنه اشناپدر در شیلی ناشی شد.

همچنین منعکس‌کننده قوانین بین‌المللی دیرینه، از جمله کنوانسیون‌های لاهه و ژنو است.

با این حال، پس از ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده بطور سیستماتیک بسیاری از محدودیت‌های قوانین ایالات متحده و بین‌المللی را نادیده گرفت یا دور زد. همزمان با تهاجم و اشغال افغانستان و عراق توسط ایالات متحده که منجر به مقاومت مسلحانه گسترده شد، دونالد رامسفلد، وزیر دفاع، شروع به استدلال برای چیزی کرد که او آن را «شکار انسان» می‌نامید، یعنی استقرار نیروهای عملیات ویژه ایالات متحده برای شکار رهبران مظنون مقاومت و کشتن آنها، همانطور که واحدهای مخفی اسرائیل قبلاً در فلسطین اشغالی انجام می‌دادند. ژنرال چارلز هالند، رئیس فرماندهی عملیات ویژه ایالات متحده، از صدور مجوز برای چنین عملیاتی خودداری کرد، اما باز نشستگی او در اکتبر ۲۰۰۳ به رامسفلد اجازه داد تا مقامات همفکر بیشتری را به مناصب ارشد منصوب کند و اسرائیلی‌ها را برای آموزش جوخه‌های مرگ آمریکایی در اسرائیل و کارولینای شمالی به کار گیرد. به قول معروف، «مردگان داستان نمی‌گویند» و تقریباً هیچ پاسخگویی در مورد کشتارهای ناشی از آن، که به طور سیستماتیک هزاران غیرنظامی را در عراق و افغانستان کشته است، وجود نداشته است. دو فرمانده ارشد آمریکایی به واشنگتن پست گفتند که تنها حدود ۵۰٪ از حملات «کشتن یا اسیر کردن» توسط فرماندهی عملیات ویژه مشترک، افراد یا خانه‌های «مناسب» یا مورد نظر را هدف قرار داده است، در حالی که نیروهای درگیر در این حملات گفتند که این ارزیابی میزان موفقیت آنها را بسیار اغراق‌آمیز نشان می‌دهد.

جنگ پهپادها این روند را تسریع کرد. در زمان ریاست جمهوری اوباما، حملات ده برابر افزایش یافت و کشتار هدفمند را به ستون اصلی سیاست ایالات متحده تبدیل کرد. تا سال ۲۰۱۱، حملات شبانه در افغانستان هر ماه به صدها مورد می‌رسید که مردم افغانستان را از خود بیگانه می‌کرد و در نهایت شکست اشغال ایالات متحده و بازگشت طالبان را تضمین می‌کرد.

اکنون نیروهای آمریکایی و اسرائیلی از حملات هوایی و پهپادی برای ترور رهبران ایران و کشتن غیرنظامیان در فلسطین، لبنان و ایران استفاده می‌کنند. زبان خویشتن‌داری ناپدید شده و جای خود را به تجلیل آشکار از «مرگبار بودن» و تهدید به جنایات جنگی بیشتر داده است.

آنچه زمانی پنهان، بحث‌برانگیز و محدود بود، اکنون آشکار، عادی و مورد دفاع قرار گرفته است

ایالات متحده اکنون با یک انتخاب دشوار روبرو است: ادامه این مسیر خشونت بی‌قانون، یا ورق زدن صفحه‌ای از زندگی ملت ما در جرم بین‌المللی و در نهایت، پذیرش واقعی دیپلماسی و همزیستی مسالمت‌آمیز با همسایگانمان.

اثر جمعی آشکار است: ایالات متحده ترور و قتل‌های فراقضایی را به ابزارهای معمول سیاست تبدیل کرده است، زیرا منشور سازمان ملل، کنوانسیون‌های لاهه و ژنو و

قوانین خود را زیر پا می‌گذارد - و همان نظم حقوقی بین‌المللی را که ادعای حمایت از آن را دارد، تضعیف می‌کند.

در همین حال، یک جهان چندقطبی در حال ظهور است که عمدتاً توسط کشورهای جنوب جهان هدایت می‌شود. اما گذار به یک جهان صلح‌آمیز و پایدار به هیچ وجه قطعی نیست. بزرگترین مانع در راه آن، اتکای مداوم ایالات متحده به تهدید غیرقانونی و استفاده از نیروی نظامی و اجبار اقتصادی برای تلاش برای حفظ سلطه خود است. ایران دهه‌ها در مواجهه با اتهامات دروغین در مورد سلاح‌های هسته‌ای، تحریم‌های اقتصادی «فشار حداکثری» و تهدیدها و حملات فزاینده ایالات متحده و اسرائیل، خویشتن داری کرد. این کشور بی‌سروصدا دفاع و استراتژی‌های نظامی خود را برای روزی که به آنها نیاز داشته باشد، تقویت کرد و آن روز فرا رسیده است.

ناکامی جامعه بین‌المللی در متوقف کردن جنگ‌های تجاوزکارانه متوالی ایالات متحده، تهدیدی وجودی برای منشور سازمان ملل و نظم پس از جنگ جهانی دوم است. همانطور که گوستاوو پترو، رئیس جمهور کلمبیا، در اجلاس CELAC در 21 مارس هشدار داد: «هرچه مشکلات بشریت جدی‌تر شود، ابزارهای کمتری برای اقدام جمعی خواهیم داشت. و این مسیر فقط به بربریت منجر می‌شود.»

ایالات متحده اکنون با یک انتخاب دشوار روبرو است: ادامه این مسیر خشونت بی‌قانون، یا ورق زدن صفحه جرم بین‌المللی کشورمان و در نهایت، پذیرش واقعی دیپلماسی و همزیستی مسالمت‌آمیز با همسایگانمان، همانطور که منشور سازمان ملل متحد ایجاب می‌کند.

برای آمریکایی‌ها - و برای جهان - این انتخاب به موضوع بقا تبدیل می‌شود.

با تقدیم احترام «08-04-2026»

.....